

هیچ چیز نمی‌تواند مانع از رسیدن مردی به هدفش شود که نگرش ذهنی درستی دارد و هیچ چیز نمی‌تواند به مردی کمک کند که نگرش ذهنی نادرستی دارد.

[www.mandegardaily.com](http://www.mandegardaily.com)

سال ششم شماره یک هزار سه صد و هفده چهارشنبه ۲۱ جوزا / خرداد ۱۳۹۳ ۱۲ شعبان المعظم ۱۴۳۵ ۱۱ جون ۲۰۱۴

## ده اشتباه کمسیون‌های انتخاباتی که نباید تکرار شود!

هشدار برخی آگاهان:  
انتخابات را مهندسی کرده  
و دادگاه ویژه تشکیل خواهند داد



ناجیه نوری

رئیس‌جمهور کززی انتخابات ریاست‌جمهوری را به گونه‌یی مهندسی خواهد کرد که نتیجه آن به هر دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری قابل قبول نباشد و در نتیجه آشوب در کشور برپا شود.

شماری از آگاهان سیاسی با اظهار این مطلب می‌گویند، حامد کززی هر دو نامزد انتخابات را رو به روی هم قرار داده و از طرف دیگر نامزدان را در مقابل کمسیون‌های انتخاباتی قرار می‌دهد و در نتیجه، کشیده‌گی سیاسی میان نامزدان و کمسیون‌های انتخاباتی به وجود خواهد آمد.

آنان تأکید کردند، زمانی که وضعیت این گونه شود، حامد کززی همانند انتخابات پارلمانی...

ادامه صفحه ۶



صفحه ۶



### داکتر عبدالله عبدالله

### ۲۴ جوزا روز تعیین سرنوشت



شماره انتخاباتی نشان انتخاباتی



مهران موحد

# اسلام تا چه حدی برای اشرف غنی احمدزی مهم است؟



اگر اشرف غنی واقعاً پژوهشگری اسلامی است! پس چرا برای نمونه به این آیه که به صراحت می‌گوید: «و از نشانه‌های قدرت خدا، آفرینش آسمان و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست...» (روم، ۲۲) هرگز اهمیتی قابل نیست؟ چرا او گاه‌گاهی در سخنانش بر این نکته تأکید می‌کند که باید همه هویتهای قومی در افغانستان بازتعریف شوند و «افغانیزه» شوند و: «باید همه خرده‌هویت‌ها زیر هويت بزرگ افغان جمع شوند». جدای از این که اسلام چه موضعی در قبال این گونه رویکردها می‌گیرد، این را همه می‌دانند که اولاً: استفاده از تعبیر «خرده‌هویت» برای اقوام غیرپشتون با هنجارهای شهروندی و حقوق مدنی شهروندان در تضاد است. ثانیاً: بسیاری از مردم افغانستان، هويت «افغان» را هويتي افغانستان شمول و فراگیر نمی‌دانند و کاربرد آن را به اقوام غیرپشتون نادرست می‌شمارند.

همچنین به یاد داریم که آقای احمدزی باری در مصاحبه‌ای با یکی از تلویزیون‌های افغانستان در باره زندانیان بگرام گفت: «آیا این متعادل است که فقط ۹۸ درصد زندانیان بگرام، گوینده یک زبان [زبان پشتو] باشند؟ آیا این متعادل است که اکثریت حملات شبانه بالای خانه‌های گوینده یک زبان صورت گیرد؟ معلوم دار که متعادل نیست.»

این حرف اشرف غنی به خوبی نقاب از چهره واقعی اش برمی‌دارد و نشان می‌دهد که او تا چه حدی قومی می‌اندیشد. او می‌خواهد جنایت و تروریسم و هراس‌افگنی هم بر اساس درصدهای نفوس اقوام در افغانستان، میان مردمان این آب و خاک، توزیع عادلانه شود.

آقای احمدزی در مقاله‌ای به عنوان «فصلی ناتمام در تاریخ افغانستان» دریغ می‌خورد که چرا پروژه‌های امان‌الله خان به صورت کامل، محقق نشد و ناتمام ماند. می‌پذیریم که امان‌الله خان، کارهای خوبی هم کرد و اقدامات ارزشمندی برای پیشرفته ساختن افغانستان انجام داد، ولی این را هم باید بپذیریم که در دوره همو بود که کلید یکی از پروژه‌های مشکل‌ساز زیر نام «نظامنامه قطغن» زده شد و موجب شد مردمانی از جنوب افغانستان و حتا از آن سوی سرحد به شمال افغانستان انتقال بیابند و مناطق خوش‌آب و علف را تصاحب کنند و ساکنان اصلی آن مناطق را در تنگنا قرار دهند و به حاشیه برانند و این امر، به بدبینی و اختلاف و شقاق میان اقوام گونه‌گون در کشور ما دامن زد. آیا اشرف غنی احمدزی اگر رئیس جمهور شود می‌خواهد این پروژه ناتمام را تمام کند؟ آیا این...

ادامه صفحه ۷

«مدرسه» و «ارگ» دارای ارزش حقوقی برابر می‌سازد.

در زندگینامه‌ای که اشرف غنی از خود منتشر کرده آمده است که آقای احمدزی در مدرسه‌های پاکستان، آموزش دیده و حتا به ادعای خودش در یکی از مصاحبه‌های تلویزیونی، کتابی هم در دوره جوانی در باره اسلام و دولت‌داری نوشته که در دانشگاه‌های معتبر جهان به عنوان کتاب درسی از آن استفاده می‌شود (اثبات درستی یا نادرستی این ادعا با توجه به این که آقای اشرف غنی احمدزی خیلی مشتاق بزرگ و دانشمند نشان دادن خود است و ادعاهای اثبات نشده فراوانی در باره خیلی دانشمندان و اندیشه‌ورز بودن خود طرح کرده کار آسانی نیست).

با توجه به این نکات، پرسش‌هایی در ذهن من خلجان می‌کند که می‌خواهم در این جا به پاره‌ای از آن‌ها بپردازم.

یکی از این پرسش‌ها این است که وقتی اشرف غنی احمدزی - بر مبنای ادعاهای خودش - این همه ارزش و اهمیت به اسلام قایل است و با آموزه‌های اسلامی، آشنایی کامل دارد و حتا بر پایه ادعای خودش کتاب ارزشمند و مهمی در باره اسلام نوشته که در دانشگاه‌های غرب تدریس می‌شود؛ چرا وقتی نوبت بحث‌های قومی و تباری پیش می‌آید اسلام را به تاق نسیان می‌سپارد و به آموزه‌های دینی پشت پا می‌زند؟ آیا به نظر او، اسلام در باره اختلاف‌ها و تکره‌های قومی و تباری چیزی نگفته است؟ در کجای اسلام عزیز، تعصب قومی و برتری طلبی تباری، کاری درست و روا شمرده شده است؟ به صراحت می‌توان گفت، مهم‌ترین ویژگی اسلام، مخالفت و دشمنی با اندیشه‌هایی است که انسان‌ها را به «انسان برتر» و «انسان فروتر» و «شهروند درجه یک» و «شهروند درجه دو» دسته‌بندی می‌کند. آیا آقای احمدزی از این مسائل آگاه نیست یا این که وی به منابع اسلامی‌ای دسترسی دارد که دیگران به آن‌ها دسترسی ندارند؟

اگر رهنمودهای قرآن را - که مهم‌ترین مأخذ تشریح اسلامی است - مبنای کار قرار دهیم به روشنی می‌بینیم که اسلام، تکرر هویتی و قومی و قبیله‌ای را به رسمیت شناخته و آن را «وسیله تعارف» شمرده نه مایه و بهانه کشمکش و نزاع قومی و برتری‌خواهی تباری بر تباری دیگر. در آیه‌ای از قرآن چنین آمده: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله کردیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان، گرمای‌ترین تان نزد خداوند پرهیزگارترین شماست...» (حجرات/۱۳)

اشرف غنی احمدزی یکی از دو نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست جمهوری افغانستان است که توانست از بسیاری از رقبای خود پیشی بگیرد و موفق شد به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری که در ۲۴ جوزای امسال برگزار خواهد شد راه پیدا کند. او شخصیتی جنجالی‌برانگیز و خبرساز است و مهم‌ترین ویژگی او این است که می‌کوشد حرف‌های پوپولیستی و احساساتی بزند تا بتواند احساسات مردم را برانگیزد و در دل توده مردم راه پیدا کند و آن‌ها را طرفدار خود بسازد.

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در مورد شخصیت و منش اشرف غنی احمدزی، نسبت او با دینداری و اسلام است. جامعه افغانستان، جامعه‌ای دیندار است و مردم در موقع داوری در باره آدم‌ها - مخصوصاً آدم‌هایی که کار سیاسی می‌کنند و ادعای رهبری مملکت را دارند - بیشتر به این مسأله توجه می‌کنند که فرد مورد نظر تا چه اندازه‌ای پایبند ارزش‌های دینی است و تا چه حدی مسائل دینی برای او ارزش و اهمیت دارد. این در حالی است که از میان دو کاندیدای پیش‌تاز، عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی، کسی که بیشترین پرسش و ابهام در باره باورهای اسلامی‌اش وجود دارد آقای احمدزی است. همسر اشرف غنی احمدزی، مسیحی لبنانی است و خود احمدزی هم کسی است که برخی از رسانه‌های اسرائیلی از او اعلام حمایت کرده‌اند و پیروزی او را در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به مثابه خبری خوش برای اسرائیلی‌ها قلمداد نموده‌اند. طبعاً چنین چیزهایی در ذهن عوام مردم، پرسش‌هایی را پدید می‌آورد و آن‌ها را نسبت به باورمندی اشرف غنی احمدزی به اسلام و ارزش‌های اسلامی که برای مردم ما خیلی ارجحانک و بااهمیت است دچار تردید می‌کند. آقای اشرف غنی احمدزی این موضوع را به خوبی می‌داند و به همین خاطر است که همواره کوشیده در جریان کارزارهای انتخاباتی‌اش اعتقاد و پایبندی‌اش به اسلام را خیلی پررنگ نشان دهد و حتا گاهی از آن طرف بام افتاده و قرائت طالبانی از اسلام را ترویج و تبلیغ کرده است.

او در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایش همواره از عالمان دین - به ویژه عالمان دیوبندی - به نیکی یاد کرده و آن‌ها را چشم و چراغ جامعه قلمداد نموده و به هواداران خود وعده سپرده که در صورتی که برنده انتخابات ریاست جمهوری افغانستان شود جایگاه مدرسه دینی و ملا را با جایگاه ارگ مساوی می‌سازد. البته به درستی روشن نیست که وی با چه سازوکاری،

## سخن ماندگار

### فرافگنی ممنوع

دو روز پس از حمله به جان داکتر عبدالله عبدالله، نامزد پیش‌تاز ریاست جمهوری، دولت افغانستان اعلام کرد که این حمله در پاکستان و به وسیله لشکر طیبه آن کشور طراحی شده و به اجرا گذاشته شد. اما حکومت پاکستان بالاخره این ادعا را تکذیب کرد و آن را یک دروغ محض دانست.

تا هنوز روشن نیست که حکومت افغانستان بر بنیاد چه سندی مدعی این قضیه شده اما چنین قضایی در گذشته هم وجود داشته که دست‌داشتن برخی از حلقه‌های داخلی پاکستان را در ترور شخصیت‌های متنفذ و ملی افغانستان نشان می‌دهد.

به هر صورت، این بار اما ترور نافرجام داکتر عبدالله کمی پیچیده به نظر می‌رسد و خیلی ساده‌انگارانه خواهد بود که به همین آسانی همه تقصیر را به گردن پاکستان ببندیم. به نظر می‌رسد که دولت افغانستان با چنین ادعای بی‌پایه از مسوولیت پی‌گیری و شناسایی عوامل این حادثه سرباز می‌زند و به نحوی اتمام حجت می‌کند زیرا، جدای از این که پاکستان این مسأله را انکار کرده است، موضوع دیگری هم مطرح است این که پاکستان از ترور داکتر عبدالله چه سود می‌برد؟

اتفاقاً، احتمال این که پاکستان بتواند روابط حسنه و نیکش را با جانب افغانستان در صورت برنده شدن داکتر عبدالله ترمیم سازد بسیار زیاد است. پاکستان‌ستیزی بی‌رویه جناب حامد کرزی در این سال‌ها مجال هر نوع گفت‌وگو را از مردم ما گرفته است. ممکن با روی کار آمدن داکتر عبدالله روابط افغانستان و پاکستان بهتر شود. حالا این اشاره به معنای آن هم نیست که گروه‌های تروریستی مستقر در پاکستان مبرا باشد. ممکن، این گروه‌ها خود اقدام به انجام این عمل وحشیانه کرده باشند که در آن صورت نیز باید دید که آن گروه‌ها چه سودی از نابودی داکتر عبدالله می‌برند؟ دست کم در این مقال، مجال پاسخ‌گویی به این پرسش نیست اما تا جایی که هوید است، تنها سودجویی یک جناح و یک گروه از ترور داکتر عبدالله می‌تواند ما را به سرنخ این اقدام تروریستی برساند. در ضمن باید یادآور شد که چنین حمله‌ای به تنهایی و ساده‌گی نمی‌تواند انجام پذیرد. چنان‌که در گذشته ما جریان ترور قهرمان ملی کشور و نیز رهبر جهاد و مقاومت استاد ربانی شهید را شاهد بودیم که در آن حوادث، دست چندین حلقه تروریستی به همکاری ارگان‌های داخلی دخیل بوده است. به یقین که در این نوبت هم دست برخی از نهادهای امنیتی - ممکن به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه و ممکن به دلیل وابسته‌گی خارجی چنین اقدامی را پشتیبانی کرده‌اند.

بنابراین، ماجرای ترور نافرجام داکتر عبدالله باید جدی گرفته شود. در گام نخست، از وظایف حکومت است که سرنخ این قضیه را دریابد. باید مشخص شود که چه کسانی از ترور داکتر عبدالله سود می‌برند و نیز این که چه گروه‌هایی در این اقدام وحشیانه دست داشته‌اند؟ اما سوگ‌مندانه باید اضافه کرد که به دلیل این که تمام قضایای ترور شخصیت‌های ملی کشور در گذشته سرپوشیده مانده است و حکومت هیچ اقدامی برای شناسایی سازمان‌دهنده‌گان آن حوادث نکرده است، گمان بر این است که این بار نیز کاری صورت نگیرد. از این‌رو، شاید منطقی‌ترین خواسته این باشد که از نهادهای بین‌المللی و ارگان‌های جهانی مبارزه با تروریسم خواهش شود که سر و ته این ترور نافرجام را در بیاورند. زیرا، با توجه به شرایط نامن موجود، هراس آن است که نشود تروریستان دست از طلب‌شان برندارند و باز هم دست به حملات مشابهی بزنند و در نهایت، خدای نخواست به هدف شوم شان نایل آیند.

## تدابیر شدید امنیتی

### در پایگاه‌های اتمی پاکستان پس از حمله به فرودگاه کراچی



همزمان با افزایش جزئیات بیشتر حمله طالبان به فرودگاه کراچی، پاکستان تدابیر امنیتی در اطراف تاسیسات اتمی، پایگاه‌های نظامی و دفاتر دولتی کشورش را افزایش داد. به نوشته روزنامه دیلی تلگراف، طالبان پاکستان پیش از آنکه اعلام کند شبه نظامیان یک سری حملات تلافی جویانه در واکنش به اقدامات خصمانه دولت اسلام آباد انجام می‌دهند، مسوولیت حمله ۱۰ شبه نظامی طالبان به فرودگاه کراچی که ۲۸ گارد امنیتی و کارمندان غیرنظامی را کشتند، به عهده گرفت.

این درگیری مسلحانه شش ساعته در فرودگاه کراچی ضربه محکمی به روند مذاکرات صلح وارد خواهد کرد و دولت را که تاکنون از انجام یک حمله تمام عیار علیه مخفیگاه‌های این شبه نظامیان امتناع کرده، بیش از پیش تحت فشار قرار می‌دهد.

محمی‌الدین وانی، سخنگوی نخست وزیر پاکستان گفت: این حمله با هدف مختل کردن کل صنعت هوانوردی کشور صورت گرفت. هدف آن‌ها یک حمله تمام عیار، انهدام ۲۰ فروند هواپیما و کشتن بیش از ۲۰۰ مسافر بوده است. از شانس خوب ما نیروهای امنیتی این فرودگاه از این مساله جلوگیری کرده و شبه نظامیان را به یک منطقه باز عقب راندند تا کمترین خسارت وارد شود.

وی افزود: نتیجه‌گیری درباره دورنمای مذاکرات صلح بسیار زود است. در عوض تمامی تلاش‌ها بر تامین امنیت دیگر اهداف بالقوه و نظارت دقیق برای کسب اطلاعات دقیق متمرکز است.

این مساله که این شبه نظامیان چقدر راحت وارد شده و فرودگاه بین‌المللی کراچی را مختل کردند، دولت و ارتش را نگران کرده چرا که آن‌ها باید پاسخگوی این بی‌اطلاعاتی بزرگ باشند.

فرماندهان تحریک طالبان پاکستان در بیانیه‌های متعدد مسوولیت این حمله را به عهده گرفتند. عبدالله بهار محسود، فرمانده ارشد تحریک طالبان پاکستان گفت: این حمله برای گرفتن انتقام حکیم الله محسود، رهبر سابق این گروه که در حمله پهبادی سال گذشته میلادی کشته شد، صورت گرفته است. تا زمانی که ما نفس می‌کشیم، حملاتمان تا آخرین قطره خونمان ادامه خواهد داشت.

شهید الله شهید، سخنگوی تحریک طالبان پاکستان نیز گفت: حمله به فرودگاه کراچی پیام روشنی به دولت است که نباید از مذاکرات به عنوان وسیله جنگ و سیاست استفاده کند.

این در حالی است که آمریکا پس از این حمله تروریستی گفت، هیچ دلیلی وجود ندارد تا نسبت به امنیت تسلیحات اتمی پاکستان نگران باشیم.

ماری هارف، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در کنفرانسی خبری گفت: ما می‌دانیم که دولت پاکستان به این مساله اهمیت می‌دهد اما هیچ دلیلی وجود ندارد که نگران مسائل امنیتی این کشور باشیم. ما معتقدیم که دولت اسلام آباد اهمیت حفاظت از تمامی زرادخانه‌هایش از جمله تاسیسات مربوط به برنامه تسلیحاتی‌اش را به خوبی درک می‌کند.

# چرا عملیات کشتن بن لادن سری انجام شد؟



هیلاری کلینتون در کتاب خاطرات خود فاش ساخت که به دلیل روابط نزدیک برخی عناصر سازمان استخبارات پاکستان در میان شبه‌نظامیان طالبان و القاعده، آمریکا تصمیم گرفت تا حمله محرمانه برای ترور اسامه بن لادن را به اطلاع مقامات پاکستان نرساند.

به گزارش خبرگزاری هند، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در کتاب خاطرات خود تحت عنوان «انتخاب‌های دشوار» که از دیروز وارد بازار کتاب شده است؛ عنوان کرد که مقامات بلندپایه آمریکایی شامل باراک اوباما، رییس جمهور و رابرت گیتس، وزیر دفاع سابق آمریکا بحث‌های مفصلي درباره مساله حمله محرمانه برای ترور اسامه بن لادن کرده بودند و امکان اینکه پاکستان با استفاده از این فرصت دست به حمله به هند بزند را در نظر گرفته بودند. اما در نهایت تصمیم گرفته شد که این حمله به اطلاع پاکستان رسانده نشود.

پاکستان در لفظ متحد آمریکا در مبارزه با تروریسم است و روابط ما با پاکستان پیش از آن نیز آسیب دیده بود، اگر ارتش پاکستان که همواره از بابت حمله ناگهانی نگران است درمی‌یافت که در حریم هوایی این کشور یک حمله محرمانه انجام شده است این امکان وجود داشت که آن‌ها با زور این اقدام را پاسخ دهند.

ما در این خصوص بحث کردیم که پیش از حمله آن را به اطلاع پاکستان برسانیم تا جلوی این سناریو و فروپاشی کامل روابط را بگیریم. با این حال همان‌طور که رابرت گیتس اغلب به ما یادآوری می‌کرد همکاری پاکستان با آمریکا برای تامین سربازان ما در افغانستان و تعقیب دیگر تروریست‌ها در مناطق مرزی دو کشور ضروری است.

من در سال‌های پیش از آن انرژی و زمان زیادی را برای روابط کشورمان با پاکستان سرمایه‌گذاری کردم و می‌دانستم که اگر ما اطلاعات را در اختیار آن‌ها نگذاریم تا چه میزان آن‌ها ناراحت خواهند شد اما من همچنین می‌دانستم که عناصری در سازمان اطلاعات پاکستان دارای روابط نزدیک با القاعده، طالبان و دیگر افراط گران هستند.

ما پیش از این نیز از افزایش اسرار آسیب دیده بودیم و خطر از بین رفتن کل عملیات بسیار زیاد بود. در یک مقطع یکی از مقامات بلندپایه دولت پرسید که آیا لازم است ما نسبت به آسیب غیر قابل جبران به شرافت ملی پاکستان نگران باشیم.

شاید به خاطر سرخوردگی از تعامل با فریبکاری و تزویر بیش از حد از جانب برخی محافل در پاکستان و یا خاطرات همچنان تلخ آوارهای برج‌های تجارت جهانی در منتهن بود اما من به

هیچ وجه نمی‌توانستم اجازه دهم که آمریکا بهترین فرصت خود را برای کشتن بن لادن از زمانی که او را در منطقه تورابورای افغانستان در سال ۲۰۰۱ از دست داد از دست بدهم. اما شرافت ملی ما چه می‌شود؟ من با عصبانیت این را به خود گفتم «پس کشتگان ما چه می‌شوند؟ مردی که ۳۰۰۰ فرد بی‌گناه را کشته چه شود؟»

عملیات کشتن بن لادن به تهدید تروریسم و شکست ایدئولوژی نفرت‌انگیزی که به آن دامن می‌زند نینجامید. این مبارزه همچنان ادامه دارد با این حال این عملیات لحظه‌ای مهم در تاریخ مبارزه طولانی مدت آمریکا علیه القاعده بود.

## هیلاری کلینتون:

### روابط نامشروع همسرم را فراموش کرده‌ام



هیلاری کلینتون در مصاحبه‌ی پیش از توزیع کتابش با عنوان «انتخاب‌های دشوار» گفت که روابط نامشروع همسرش را فراموش کرده و خانواده آن‌ها پس از ترک کاخ سفید با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شدند.

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در مصاحبه با شبکه خبری ای بی سی گفت: پس از اینکه بیل کلینتون (رییس جمهور سابق آمریکا) کاخ سفید را ترک کرد، خانواده من به بن‌بست رسیده بود و در آستانه فروپاشی بود.

با این حال کلینتون می‌گوید که رابطه بیل با مونیکا لونسکی، کارآموز کاخ سفید را که به رسوایی گسترده‌ی انجامید، فراموش کرده است و اگر مونیکا را ببیند برای وی آرزوهای خوب می‌کند.

وی همچنین درباره احتمال نامزدی از سوی دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ گفت: قطعاً رسوایی بنغازی در مرکز توجه قرار خواهد داشت و من در آن زمان نسبت به افزایش تهدیدها خبر نداشتم و اینکه در صورت اطلاع چه می‌کردم، هنوز مشخص نیست.

وزیر امور خارجه سابق آمریکا از نحوه عملکردش در رابطه با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در کنسولگری آمریکا پشیمان نیست. وی معتقد است که هیچ کاری از دست وی برای جلوگیری از وقوع آن حمله برنمی‌آمده است و حتی اگر امروز به وی این فرصت داده می‌شود، فرقی نمی‌کرد. کلینتون گفت: قطعاً من حاضر بودم هر چه روی زمین است، بدهم تا این اتفاق نیفتد. با این حال برای من واضح است که ما یک سیستمی داشتیم که در نهایت به من ختم می‌شد. من مسوولیت را قبول کردم اما من تصمیمات امنیتی را نمی‌گرفتم.

وی افزود: کارمندان وزارت امور خارجه تهدید شبه نظامیان را علیه پرسنل آمریکا در لیبی دست کم گرفتند و من شخصا از پیام‌های دیپلماتیک در رابطه با نگرانی‌های امنیتی اطلاع نداشتم. این مقام سابق دولت اوباما بار دیگر از اظهارات خود در جلسه کنگره در سال ۲۰۱۳ دفاع کرد و

گفت: فرقی نمی‌کند که چه چیزی موجب ایجاد این خشونت شده باشد، تنها مساله مهم این بود که از کنسولگری آمریکا به دقت محافظت نشده بود. کلینتون در پاسخ به این سوال که آیا حادثه بنغازی انگیزه شما را برای شرکت در انتخابات ۲۰۱۶ کاهش داده است، گفت: اتفاقاً این مساله به یک دلیل است که من نامزد شوم چرا که باور دارم که کشور ما باید در میان ابرقدرت‌ها باشد. با این حال استراتژی خوبی برای کمپین انتخاباتی ندارم، اما اگر نامزد شوم، همانند یک تازه‌کار فعالیت خواهم کرد.

کلینتون همچنین در رابطه با مونیکا لونسکی گفت: امیدوارم که وی فرصت فکر کردن به زندگی‌اش را داشته باشد و معنا و رضایت بیابد. مساله روابط او با همسرم چیزی نبود که بخوام مدت زیادی به آن فکر کنم و چیزی بود که در آن زمان وجود داشت.

اخبار رسوایی جنسی بیل کلینتون در دوران ریاست جمهوری‌اش منجر به انجام تحقیقات و استیضاح وی در سال ۱۹۹۸ شد که در نهایت در دادگاه سنا تبریئه شد.

هیلاری کلینتون گفت: وقتی ما کاخ سفید را ترک کردیم نه تنها شکست خورده بودیم بلکه بدهکار شدیم. ما باید برای هزینه‌های جاری، هزینه‌های خانه و تحصیلات دخترم به سختی تلاش می‌کردیم و این آسان نبود.

## اختلاف نظر بر سر انتخاب رییس کمیسیون اروپا

در دیدار سران چهار کشور بریتانیا، آلمان، سویدن و هلند اختلاف نظر بر سر انتخاب رییس کمیسیون اروپا به جای خود باقی ماند اگرچه به گفته صدراعظم آلمان بحث اصلی در باره آن نبود.

آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان پس از این دیدار دو روزه در نزدیکی پایتخت سویدن می‌گوید اگرچه او علاقمند به دفاع از انتخاب ژان کلود یونکر به ریاست کمیسیون اروپا در این ملاقات‌ها بود ولی این موضوع بحث اصلی سران چهار کشور نبود.

اختلاف نظر اصلی در مورد انتخاب رییس کمیسیون اروپا بین آلمان از یک طرف و بریتانیا، سویدن و هلند از طرف دیگر است. آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان می‌خواهد که این مقام به ژان کلود یونکر، نخست‌وزیر پیشین لوکزامبورگ برسد در حالی که دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا با این انتخاب مخالف است و خواهان اصلاحات در سیاست‌های این اتحادیه است.

حزب مردم اروپا (ای پی پی) بزرگترین گروه راست میانه در پارلمان اروپا بیشترین کرسی را در انتخابات اخیر پارلمان اروپا بدست آورد. آقای یونکر که عضو این حزب است، به دنبال ریاست کمیسیون اروپاست و در این میان از پشتیبانی آنگلا مرکل برخوردار است.

ولی بریتانیا، سویدن و هلند با این کار مخالفند و علیه آن موضع‌گیری کرده‌اند. رهبران هر چهار کشور مانند آقای یونکر به جناح راست میانه تعلق دارند.

نخست‌وزیر بریتانیا به شدت مخالف افکار آقای یونکر است که اعتقاد به اتحاد و یگانگی سیاسی بیشتر بین اعضای اتحادیه دارد، دیوید کامرون، اتحادیه اروپا را «خیلی بزرگ» و «خیلی ارباب‌منش» توصیف کرده است.

رهبران اروپا معمولاً رییس کمیسیون را بدون مشورت پارلمان انتخاب می‌کردند ولی این بار باید نتیجه انتخابات پارلمانی را هم به حساب بیاورند.

بخش دوم و پایانی



# خانواده را بهتر بشناسید

کل خانواده به عنوان یک واحد ارگانیک مانند بدن یک فرد در نظر گرفته می‌شود که بروز یک مشکل خاص در هر یک از اعضای آن، به عنوان نشانه یا علامتی از اختلال در کارکرد کلی خانواده شناخته خواهد شد. همان‌طور که سرفه در انسان نشانه‌ی از بروز اختلال در یکی از اعضای بدن او محسوب می‌شود، بروز افسرده‌گی در مادر یک خانواده نیز اختلال کل خانواده در نظر گرفته خواهد شد و به‌جای تمرکز محض بر مادر، باید روابط درونی خانواده و ساختار و عمل کرد و نوع ارتباطها و تبادل اطلاعات و جو عاطفی خانواده مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم و سازنده در آن‌ها داده شود.

جالب آن است که خود خانواده بر اساس پویایی درونی و ذاتی خود، بر همین منوال عمل می‌کند. به عبارت دیگر، هر خانواده، به عنوان یک واحد ارتباطی پیوسته، در جست‌وجوی حفظ تعادل و هماهنگی درونی خود است. خانواده به مثابه یک سیستم را می‌توان چنین تعریف کرد: واحدی که اجزای (بخوانید اعضا) آن نه تنها در ارتباط متقابل با هم به‌سر می‌برند، بلکه با هم نیز تغییر می‌کنند و یا در صورت وجود هرگونه اختلال و انحراف، برای حفظ تعادل خود فعال می‌شوند.

البته این خاصیت هر سیستمی است که متمایل به حفظ تعادل خود است. بنابراین رفتار اعضای یک خانواده نیز مانند اجزای یک سیستم به نحوی است که تعادل آن خانواده حفظ شود. یعنی رفتار هر عضو خانواده، کارکردی در جهت حفظ ثبات خانواده دارد. حتی اگر این رفتار یک رفتار نابه‌هنگار باشد، باز در ایجاد تعادل سیستم نقش دارد. این نکته بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا در بسیاری از موارد، رفتار بیمارگونه یک عضو خانواده یا حتی بیماری او، خود مایه حفظ تعادل در خانواده است، منتها تعادلی غیرانطباقی یا ناسازگارانه. بنابراین خانواده در برابر تغییر آن رفتار یا درمان آن بیماری یا رفع آن مشکل مقاومت خواهد کرد، زیرا تعادل آن به‌هم می‌خورد.

در این‌جا نکته ظریفی وجود دارد که باید مورد توجه درمان‌گران قرار گیرد. با وجود توجه ظاهری افراد خانواده به شخصی که برچسب بیمار یا عضو مشکل‌دار را خورده است و مراجعه آنان برای رفع مشکل وی؛ در حقیقت خود این مشکل ناشی از نحوه تعامل و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر بوده و در جهت حفظ تعادل غیرانطباقی در سیستم آن خانواده است. بنابراین با وجود نیت ظاهری بسته‌گان فرد، ممکن است هنگامی که فرد مزبور در جهت تغییر خود اقدام کند و به عبارت دیگر در مسیر بهبود یا اصلاح خود قدم بردارد، سایر اعضای خانواده در برابر آن مقاومت کنند. در این‌جا آرایه آموزش لازم به افراد خانواده ضروری است. باید به آنان گفت که در خانواده، تغییر یک پدیده عمومی است که باید تمام ساختار، الگوهای ارتباطی - اطلاعاتی و جو عاطفی را دربرگیرد و نقش آنان نیز در این تغییر اجتناب‌ناپذیر است و باید بدون هراس از برهم خوردن یک تعادل غیرانطباقی در سطح پایین، به کوشش برای رسیدن به تعادل و هماهنگی انطباقی و سازنده در یک سطح بالاتر از زیستن دست یازند تا هم مشکل موجود حل شود و هم خانواده به سطح بالاتری از عمل کرد و سلامت برسد تا امکان رشد بیشتر خانواده به عنوان یک واحد جامع و اعضای آن به عنوان افراد مستقل، فراهم شود. هنگامی که سخن از خانواده و مسایل مربوط به آن در میان است، پیش از هر چیز نخستین پرسش بنیادی آن است که رویکرد صحیح نسبت به خانواده به‌طور کلی و مسایل آن به‌طور ثانوی چیست یا چه‌گونه باید باشد؟ اصولاً خانواده در گستره انواع روابط انسانی و به عنوان یکی از اشکال آن، قابل بررسی است. علوم رابطه‌ی قلمروی است که به روابط انسانی شامل روابط و تعاملات بین فردی و بین گروهی می‌پردازد. در این قلمرو، خانواده نیز به عنوان یکی از انواع روابط انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. در دیدگاه سیستمی که مبتنی بر نظریه عمومی سیستم‌هاست، هر عنصر وابسته به محیط خویش و سایر عناصر سیستمی است که خود جزئی از آن است و این در مورد خانواده نیز صدق می‌کند. پس نوع برخورد با مشکلات خانواده‌گی هم، باید با در نظر گرفتن همین اصل باشد که گرچه ساده می‌نماید اما بسیار کارآمد است.

منبع: سلامت نیوز

بخش ششم

# هایدگر، کوندرا و دیکنز

نویسنده: ریچارد رورتی  
برگردان: هاله لاجوردی  
تأیید نسبت اساسی امور انسانی به تعبیر کوندرا، دست شستن از آخرین نشانه‌های تلاش کشیشان ریاضت‌کش برای فرار از زمان و بخت و اقبال است؛ کشیشان ریاضت‌کشی که خود را قهرمانان نمایش‌نامه‌ی می‌دانند که متن آن قبل از ورود آن‌ها به صحنه، نگارش یافته است. هایدگر گمان می‌کرد که با تاریخی کردن وجود و حقیقت می‌تواند از مابعدالطبیعه و از اندیشه حقیقت واحد بگریزد. می‌پنداشت که با گفتن داستانی درباره رویداد و واقعه که بیشتر درباره غرب بود تا درباره وجود، می‌تواند از طغیان افلاطونی طغیه برود. ولی از نظر کوندرا طرح هایدگر فقط تلاش دیگری برای گریختن از زمان

هر صورت که باشد، قضاوت کرد. به‌ویژه آن غربی که می‌خواهد خود را با بمب‌های خویش نابود کند، نباید ملاک قضاوت درباره اروپا باشد - و همین‌طور ظهور شب بی‌پایان توتالتری نیز نباید ملاک قضاوت باشد. این کار مثل قضاوت در مورد زنده‌گی یک انسان بر اساس تصادفی خنده‌دار است که با خشونت به آن پایان می‌دهد یا مثل قضاوت درباره تکنولوژی غرب بر اساس آشویتس است، همان‌طور که کوندرا می‌گوید:

روزگاری من هم فکر می‌کردم که آینده تنها قاضی صالح کارها و اعمال ماست، بعدها فهمیدم که به دنبال آینده بودن بدترین نوع سازشکاری است، تملق بزدلانه قدرت است؛ چرا که آینده همیشه قوی‌تر از حال است. البته آینده در مورد ما



و بخت و اقبال بود، هرچند این بار گریز به سوی تاریخ‌مندی جای گریز به سوی ابدیت را گرفته بود. از نظر کوندرا، ابدیت و تاریخ‌مندی به یک اندازه خنده دارند و به یک اندازه اندیشه‌هایی ماهیت‌گرایانه هستند.

تفاوت واکنش کوندرا و هایدگر نسبت به سنت مابعدالطبیعه غرب، بهتر از هر جا در برداشت‌شان از نقطه پایان (closure) بروز می‌کند، به همان اندازه که برای کوندرا اهمیت دارد که ماجرا را فرجام گشوده ببیند - همیشه انواع جدیدی از رمان به وجود خواهند آمد که شادی‌های جدید و حماقت‌های جدید و بدیع را ثبت خواهند کرد - همان‌قدر برای هایدگر این تأکید اهمیت دارد که غرب همه امکانات خود را به انتها رسانیده است. این مسأله از این تأکید کوندرا ناشی می‌شود که رمان سرشتی ندارد، بلکه دارای تاریخ است، رمان توالی کشفیات است. هیچ‌گونه مثل افلاطونی که رمان به عنوان یک ژانر وابسته به آن باشد وجود ندارد. هیچ ساختاری برای انسان‌ها نیز وجود ندارد. رمان دیگر نمی‌تواند امکاناتش را به انتها برساند. انسان‌ها هم نمی‌توانند امید به شادمانی را از دست بدهند. همان‌طور که کوندرا می‌گوید تنها زمینه برای فهم ارزش رمان، تاریخ رمان اروپایی است. لازم نیست رمان‌نویس در برابر کسی جز سروانتس پاسخ‌گو باشد.

همین نکته زمانی آشکار می‌شود که کوندرا تأکید می‌کند که در مورد تاریخ رمان و اروپا نمی‌توان از روی آینده سیاسی واقعی اروپا یا با سرشت واقعی غرب به

بکنیم، چه‌گونه همه‌چیز را نظم بخشیم با هم راحت‌تر باشیم، نهادها چه‌گونه تغییر یابند که هر کس حق بهبود بخشیدن به بخت و اقبال زنده‌گی خود را داشته باشد. به نظر کسانی که با این مفهوم نیچه موافق‌اند که «آخرین انسان‌ها» بوی بد می‌دهند، مسخره خواهد آمد که پیشنهاد کنیم هدف سازمان اجتماعی انسان و تفکر اخلاقی رسیدن به آسایش باشد، ولی این پیشنهاد به نظر دیکنز مسخره نمی‌آید و به همین دلیل است که دیکنز را مارکسیست‌ها و سایر کشیشان ریاضت‌کش تحت عنوان «مصلح بورژوا» طرد کرده‌اند. اصطلاح مارکسیستی «بورژوا» معادل اصطلاح «آخرین انسان» نیچه است و شامل همه چیزهایی می‌شود که کشیش ریاضت‌کش خواهان تظهير آن‌هاست. چرا که مارکسیسم همانند افلاطون‌یسم و هایدگریسم برای انسان‌ها چیزی بیش از آسایش می‌خواهد. خواستار تغییر شکل است، تغییر شکلی بر مبنای طرح واحد جهانی؛ مارکسیست‌ها پیوسته آن‌چه را انسان نوین سوسیالیستی می‌نامند، به تصویر می‌کشند. دیکنز نمی‌خواست کسی را تغییر دهد جز از یک جنبه: او می‌خواست آن‌ها عابران خیابان‌ها را ببینند و مقصودشان را بفهمند؛ او نمی‌خواست مردم با زدن برچسب‌های اخلاقی یکدیگر را معذب سازند؛ بلکه خواستار آن بود که متوجه هم‌نوعان خود شوند - Dombey و خانم Anna Dombey و K , Lord Chancellor Karenin حق داشتند مقصودشان فهمیده شود.

به رغم نداشتن هدفی بالاتر از راحتی ارتباطات انسانی، دیکنز برای رسیدن به برابری و آزادی بسیار تلاش کرد. آخرین خط‌نوشته سنگ مزار سویفت که خود سفارش نوشتنش را داده بود «اگر جرأت دارید از او تقلید کنید: او در خدمت آزادی انسان بود.» برای لوح مقبره دیکنز نیز کاملاً مناسب است. ولی دیکنز خدماتش را به آزادی با خشمی لجام‌گسیخته که سویفت به خود نسبت می‌داد انجام نداد، بلکه با چیزی که بورژواتر بود انجام داد - اشک‌های احساساتی و آن‌چه اورول خشم رحیمانه می‌نامید - دیکنز به نظر ما نویسنده‌ی است بورژواتر از سویفت خالق یا هوو Yahoos. چرا که او با انسان‌ها راحت‌تر است و به آنان امید دارد. نشان این راحتی، واقعیتی است که اورول در متن زیر به آن اشاره کرده است: «در الیور توئیست، روزگار سخت، خانه متروک و دوریت کوچولو دیکنز با خشونت بی‌سابقه به نهادهای انگلیسی حمله کرد. با این حال توانست این کار را بدون منفور شدن انجام دهد. بالاتر از همه این‌که خود مردمی که دیکنز به آن‌ها حمله کرده بود، چنان او را تمام و کمال جذب کردند که خود دیکنز به صورت نهادی ملی در آمد.» نکته مهم آن است که دیکنز خود را منفور نساخت. من معتقدم این امر تا حدی ناشی از آن بود که او به هیچ چیز انتزاعی مثل «انسانیت به طور کلی» یا به زمانه و یا به جامعه‌ی که در آن زنده‌گی می‌کرد حمله نکرد، بلکه بیشتر به جنبه‌های مشخصی از زنده‌گی مردمانی خاص پورش برد، کسانی که از رنج دیگران غافل بودند، از این‌رو او قادر بود به عنوان یکی از ما صحبت کند - به عنوان کسی که اتفاقاً متوجه چیزی شده بود که اگر هر یک از ما هم متوجه آن می‌شدیم، با همان خشم واکنش نشان می‌دادیم.

# گرگ و میش؛ پدیده جهانی

زهرا ابطی

مقدمه:

کتاب گرگ و میش نوشته استغنی مهر است که بیشتر با نام انگلیسی اش «تویالات» و به واسطه فیلمی که بر اساس رمانش ساخته شده است، شناخته می شود. این کتاب نخستین کتاب از مجموعه چهار جلدی *the twilight saga* است که جلدهای بعدی آن به ترتیب ماه نو (new moon)، ماه گرفته گی (eclipse) و سپیده دم (breaking dawn) نام دارند. این مجموعه برای ماهها در امریکای شمالی جزو پرفروش های نیویارک تایمز (New York Times bestseller) بوده است و به واسطه فیلمی که در سال ۲۰۰۸ از روی جلد اول آن ساخته شد، به پدیده جهانی تبدیل شد، به طوری که جلد دوم آن در بریتانیا توسط انتشارات اتم (atom) به تعداد چاپهایی بیش از ۳۰ بار رسیده است. (در سال ۲۰۰۷ دوبار، در سال ۲۰۰۸ شانزده بار و در سال ۲۰۰۹ هجده بار تجدید چاپ شده است. به گواهی سایت انتشارات اتم.)

درباره نویسنده:

نویسنده کتاب استغنی مهر پر متولد ۱۹۷۳ است که در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه Brigham Young فارغ التحصیل شده است و بیش از مجموعه کتاب گرگ و میش، کار جلدی نداشته و پس از نوشتن این مجموعه، رمان دیگری تحت عنوان میزبان (host) به تحریر درآورده است. مهر مدعی است که ایده اصلی نوشتن این رمان را از یک خواب الهام گرفته است؛ خوابی که در آن یک خون آشام عاشق دختری می شود و در عین حال به شدت تشنه خون وی نیز هست و این او را بر سر دوراهی سختی قرار می دهد. هم چنین مهر ادعا می کند که گرگ و میش را بر اساس طرح رمان غرور و تعصب از جین آستین، ماه نو را بر اساس طرح نمایش نامه رومئو و ژولیت از شکسپیر، ماه گرفته گی را بر اساس طرح رمان بلندی های بادگیر اثر امیلی برونته و در نهایت سپیده دم را بر اساس طرح رمان نمایش نامه رویای نیمه شب تابستان اثر شکسپیر نوشته است.

نقدها و تحسین ها:

نقدهای مثبت فراوانی در تمجید و ستایش از این رمان عامه پسند نوشته است. بر اساس آنچه که پشت جلد کتاب اول درج شده است، حتا مجله معروف تایمز نیز به ستایش از این اثر پرداخته است: «مه پر مثل یکی از خون آشام هایش، به امری نادر و حتا بیش از انسان تبدیل شده است..... مردم فقط نمی خواهند کتاب های مه پر را بخوانند، بلکه آن ها می خواهند درون کتاب زنده گی کنند و از واژگانش بالا روند.»

«زنجیره ای از عواطف و اضطراب» یو. اس. ای تودی «یک پدیده ادبی» نیویارک تایمز «استغنی مهر پر محبوب ترین نویسنده ژانر خون آشام در جهان بعد از آن رایس (Anne Rice) است.» اینترتینمنت ویکلی

درباره داستان:

گرگ و میش داستان دختری هفده ساله به نام ایزابلا (بلا) سوان (Isabella Swan) است که به خاطر ازدواج مجدد مادرش مجبور می شود از فونیکس به

بودند که هیچ چیز جلودار آنها نبود، هیچ چیز جز خون آشام ها. و علت دشمنی دیرینه این دو دسته نیز همین امر است. در نهایت آنها موفق می شوند که خون آشام های «بد» را از بین ببرند.

در سپیده دم، ادوارد و ایزابلا نهایتاً با هم ازدواج می کنند و بلا باردار می شود. ولی هنگام زایمان، بلا به شدت ضعیف می شود و در خطر مرگ قرار می گیرد. ادوارد به خاطر از دست ندادن بلا، مجبور می شود به خواسته چهارساله بلا تن دهد و او را نیز به خون آشام تبدیل می کند.

کاراکترهای اصلی:

**You're dangerous?" I guessed. "But not" bad", I whispered. "No, I don't believe that you're bad." "You're wrong" his voice was almost inaudible. (p. ۹۳)**

بلا سوان: دختری است که نزد پدرش سرهنگ چارلی سوان (Chief Charlie Swan) زنده گی می کند. به ادوارد کولن علاقه مند می شود و بعد از این که متوجه می شود ادوارد خون آشام است، برای این که بتواند تا ابد کنار او بماند، بزرگترین آرزویش تبدیل شدن به خون آشام است. دختری است که نه تنها از این واقعیت که ادوارد خون آشام است نمی ترسد، بلکه به راحتی با آن کنار می آید. بلا کمی دست و پا چلفتی است و به قول خودش اگر روزی بدون بخیه، بانداژ و زخم نباشد، باعث تعجب بقیه می شود.

ادوارد کولن: در ۱۹۰۱ در شیکاگو به دنیا آمده و در هفده سالگی و در حالی که پدر و مادرش از آنفولانزای هسپانیایی مرده بودند و خودش نیز در بستر مرگ افتاده بود، توسط کارلایزل به خون آشام تبدیل می شود. ادوارد اولین فرد از خانواده جدید کارلایزل است و رابطه اش با کارلایزل رابطه پدر و



پسری است. با گذشت بیش از صد سال از زنده گی اش هم چنان هفده ساله مانده است و به همین دلیل با ایزابلا در دبیرستان هم صنف است. بوی خون ایزابلا به شدت برای ادوارد تحریک کننده است و تنها آرزویش در ابتدا کشتن ایزابلا و نوشیدن خون اوست و تنها عاملی که باعث خودداری وی می شود، این است که نمی خواهد هر آنچه را که کارلایزل ساخته است، خراب کند. ولی کم کم به ایزابلا علاقه مند می شود و دوراهی بزرگ زنده گی اش شکل می گیرد: عشق به ایزابلا و عطش برای نوشیدن خورش. ادوارد حاضر نیست که ایزابلا را به خون آشام تبدیل کند، چرا که معتقد است خون آشام ها روح ندارند و او نمی خواهد روح بلا را از او بگیرد. ادوارد یک ویژه گی منحصر به فرد هم دارد: او می تواند ذهن بقیه را بخواند؛ ذهن همه غیر از ذهن بلا. جیکوب بلک: در جلد اول، جیکوب پانزده ساله است، پدرش بیلی بلک دوست قدیمی و صمیمی چارلی سوان است و این باعث آشنایی جیکوب و بلا می شود. او پسری سرخ پوست از قبیله Quileute است با موهای مشکی، پوست تیره و قدی بسیار بلند که علاقه اصلی اش در زنده گی تعمیر موتورسایکل و موتر است. در جلد دوم متوجه می شویم که جیکوب به گرگینه تبدیل شده است و این یکی از دلایل تنفر متقابل ادوارد و جیکوب است. در جلد آخر، او و ادوارد نهایتاً به خاطر بلا با هم کنار می آیند و دوستی عمیقی بین آنها شکل می گیرد.

کارلایزل کولن: کارلایزل در قرن هفدهم در انگلیس به دنیا آمده است. پدرش یک کشیش بوده که با جدیت به دنبال کشتار و سوزاندن جادوگران، خون آشام ها و... بوده است. پس از مرگ پدرش، کارلایزل کشیش

می شود در یکی از این تعقیب و گریزها در پی خون آشام ها، آن ها کارلایزل را گاز می گیرند و او را به خون آشام تبدیل می کند. کارلایزل در ابتدا به حدی از این امر وحشت زده می شود که سعی می کند خودش را بکشد: خودش را غرق می کند. فایده ای ندارد. خودش را از صخره پرت می کند. بدون نتیجه. کارلایزل متوجه می شود که خون آشام بودن به معنی ابدی بودن و نامیرا بودن است، پس سعی می کند از زمان بی انتهای مقابلهش بهترین استفاده را بکند. او پزشکی را انتخاب می کند تا بتواند هم چنان به بقیه کمک کند، تا بتواند هم چنان «خوب» بماند. پس از گذشت نزدیک به چهار قرن، کارلایزل به حدی از کنترل نفس می رسد که می تواند به راحتی در اتاق عمل جراحی کند بدون این که ذره بی تحریر شود. با تمام تلاش کارلایزل برای ایجاد صلح و آرامش، سرخ پوست های Quileute از وقتی که در شفاخانه فورکس شروع به کار کرده است، دیگر به آنجا نمی روند، چرا که راز او را می دانند. کارلایزل در بیست و سه سالگی «عوض» شده است؛ به قول ادوارد در حالی که به زحمت سی ساله است، وانمود می کند که سی و سه ساله است.

ویکتوریا: یک خون آشام بد. خون آشامی که به دنبال کشتن بلا و انتقام گرفتن از کولن هاست؛ زیرا که ادوارد، ایمت و جاسپر، جیمز دوست ویکتوریا را کشته اند؛ چرا که به بلا حمله کرده بود. در جلد سوم ویکتوریا خودش لشکری از خون آشام ها را پدید آورده است تا بتواند کولن ها را شکست دهد، ولی با اتحاد کولن ها و گرگینه های Quileute، ویکتوریا و لشکرش شکست می خورد و کشته می شوند.

چه گونه خون آشام خود را تربیت کنیم؟ how to train your vampire

خون آشام های مه پر چه ویژه گی هایی دارند؟... آن ها ابدی و نامیرا هستند، در آفتاب به خاکستر تبدیل نمی شوند، بلکه پوست شان به شدت شفاف می شود و می درخشد. این یکی از دلایلی است که چرا کولن ها فورکس را دوست دارند؛ چون به ندرت آفتابی است. آن ها در تابوت نمی خوابند زیرا که اصلاً نمی توانند بخوابند. زیبایی فرابشری دارند، سرعت و قدرت زیادی دارند. صداهایی را از فاصله های دور می شنوند، چیزهایی را از فواصلی می بینند که چشم بشری نمی بیند. پوستی به سردی یخ دارند، نیازی به نفس کشیدن ندارند و فقط طبق عادت نفس می کشند. غذا و نوشیدنی نمی خورند و تنها نوشیدنی آن ها خون است. خون آشام های خوب مثل کولن ها چشم هایی به رنگ عسل و کهربا دارند، در حالی که خون آشام های بد چشم های قرمز رنگ دارند و هر دو گروه هنگامی که تشنه هستند چشم های شان سیاه می شود.

چه گونه گرگ و میش یک پدیده جهانی شده است؟ گرگ و میش از مسایلی صحبت می کند که ابدی - ازلی به نظر می رسند: از فداکاری، از انتخاب، از ماندن بر سر دو راهی ها، از تردیدها، از رنجها و دردها و جدایی ها، از خانواده و مهم تر از همه از عشق.

ژانر کتاب بر اساس آنچه در صفحه اطلاعات کتاب نوشته شده است، خون آشامی، تخیلی و دبیرستانی است. این طبقه بندی ها طبقه بندی هایی بسیار کلی هستند که می توانند فرهنگها و افراد مختلف را در خود جای دهند و آن ها را درگیر خود کنند. خون آشام ها، گرگینه ها جادوگران و هر موجود نیمه انسان - نیمه اسطوره ای دیگر در تقریباً تمام فرهنگها، تاریخها، و فرهنگ های عامه جای دارند و این خود باعث نزدیکی بیشتر با موضع کتاب می شود. علاوه بر این موضوعات، درگیری شر خیر که تم اصلی زنده گی است نیز در این کتاب دیده می شود: کارلایزل و خانواده اش به عنوان جبهه خیر در مقابل ویکتوریا، لورنت و جیمز به عنوان جبهه شر. البته این طبقه بندی مطلق نیست و از نسبی گرای رایج قرن بیست و یک نیز در آن دیده می شود، چرا که کولن ها در دوگانه قبلی جبهه خیر بودند، در دوگانه کولن - انسان (مثل بلا، چارلی و سایر مردم فورکس) جبهه شر هستند چرا که انسان نیستند، چرا که «دیگری» محسوب می شوند. سرخ پوست های Quileute نیز در تقابل با کولن ها جبهه شر - شر را تشکیل می دهند: هر دو غیر انسان، هر دو دیگری.

If there is in this world a well-attested account, it is that of vampires. Nothing is lacking: official reports, affidavits of well-known people, of surgeons, of priests, of magistrates; the judicial proof is most complete. And with all that, who is there who believes in vampires? (Rousseau - ۱۳۴)

# ده اشتباه کمیسیون‌های انتخاباتی

## که نباید تکرار شود!

### کسرا انصاری

امروز چهارشنبه آخرین روز پیکارهای انتخاباتی نامزدان ریاست‌جمهوری و هواداران‌شان است و ساعت دوازده‌ونیم امشب این فرصت پایان می‌یابد.

بعد از سپری شدن دوره سکوت، مردم افغانستان روز شنبه (۲۴ جوزا) پای صندوق‌های رأی می‌روند تا رئیس‌جمهور آینده‌شان را برگزینند. عمده‌ترین نگرانی رأی‌دهنده‌گان در دور دوم انتخابات، آن اشتباهات، تخلف‌ها و تقلب‌های سازمان‌یافته‌بی‌ست که کمیسیون‌های انتخاباتی در دور اول مرتکب شدند که در نتیجه رأی مردم تأثیر منفی گذاشته و انتخابات را به دور دوم کشاند.

بنابراین، پیش از این که به پای صندوق‌های رأی برویم، یادآوری ده نکته مهم را لازم می‌دانیم که کمیسیون‌های انتخاباتی به آن توجه جدی نموده و از برخوردهای جانب‌دارانه خودداری کنند.

۱- در دور اول انتخابات، ده‌ها هزار رأی مردم افغانستان به دلیل نبود مهر کمیسیون در برگه نتایج و نبود امضای رئیس محل و امضای ناظران، باطل اعلام شد؛ این نقیصه را کمیسیون مستقل انتخابات باید رفع کرده باشد. در دور دوم به هیچ صورت پذیرفتنی نیست که اشتباه کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات، سبب ابطال رأی مردم گردد.

۲- اسنادی در دست است که در دور اول انتخابات، قلم‌هایی که از سوی کمیسیون مستقل انتخابات به محلات رأی‌دهی ارسال شده بود، در جاهایی متفاوت از جاهای دیگر بوده است. به این معنا که رنگ قلمی که به وسیله آن نتایج رأی

### انتخابات را مهندسی کرده...

گذشته دادگاه ویژه‌یی را به منظور بررسی نتایج انتخابات ایجاد خواهد کرد و بر وفق مراد خویش نتیجه انتخابات را رقم خواهد زد.

پس از اعلام نتایج انتخابات پر سروصدای پارلمانی سال ۱۳۸۹، به پیشنهاد دادگاه عالی و منظوری رئیس‌جمهور به هدف رسیده‌گی به تخلفات و تقلبات انتخابات پارلمانی دادگاه ویژه انتخاباتی ایجاد گردید.

هیأت قضایی دادگاه ویژه رسیده‌گی به تخلفات انتخابات پارلمانی، شصت و یک نفر از اعضای مجلس نماینده‌گان را در آن سال به تقلب در انتخابات پارلمانی متهم نمود و حق عضویت آنان را در شورای ملی سلب کرد.

مجلس نماینده‌گان بارها این محکمه را غیرقانونی خوانده و گفته بود که این دادگاه از هیچ گونه حیثیت قانونی و حقوقی در قوانین نافذ کشور برخوردار نیست؛ اما نامزدان بازنده و معترض، ایجاد این محکمه را قانونی و یک اقدام پسندیده عنوان کرده بودند.

در نتیجه تصمیم این دادگاه اختصاصی که گفته می‌شود به هدف به آشوب کشیدن انتخابات از سوی رئیس‌جمهور کرسی ایجاد گردیده بود، ۶۲ تن از نماینده‌گان پارلمان سلب صلاحیت و افراد جدیدی جایگزین آنان گردید.

از طرفی هم، ستاد انتخاباتی دکتر عبدالله می‌گوید: هیچ رسانه خبری را مبنی بر کمبود برگه‌های رأی‌دهی در ولایت پکتیا، پکتیکا و خوست در دور اول انتخابات نشر نکرده بود؛ اما کمیسیون انتخابات در این ولایات حدود ۷۰ تا ۱۰۰ محل رأی‌دهی ایجاد کرده است.

احمدضیا رفعت عضو پیشین کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید: «عملکرد حامد کززی در انتخابات‌های گذشته نشان می‌دهد که این بار نیز او تلاش خواهد کرد تا روی مسیر انتخابات اثر گذار باشد.»

مردم در محلات در برگه نتایج رسانده می‌شد، در شماری از ولایات طوری بوده است که رنگ آن پس از گذشت یکی دو روز از انتخابات رفته است و اعتبار کاپی برگه نتایج که نزد نامزدان بوده، از بین رفته است.

۳- در دور اول، کمیسیون مستقل انتخابات، صدها مرکز رأی‌دهی را در ولایت‌های مشخص، بدون دلایل موجه، تفتیش و بازشماری کرد و در نتیجه، هزاران رأی شهروندان باطل گردید. در دور دوم، تفتیش و بازشماری مراکز و محلات رأی‌دهی، بدون دلایل موجه، قابل قبول نیست و کمیسیون نباید این اشتباه را بار دیگر تکرار کند.

۴- در روز برگزاری دور دوم انتخابات، کمبود برگه‌های رأی‌دهی، این بار اصلاً قابل توجه نیست و کمیسیون نباید اشتباه دور اول را تکرار کند.

۵- برخورد دوگانه با رأی مردم جنایت است و کمیسیون باید متوجه این مسأله باشد.

۶- در روز برگزاری انتخابات، زمان رأی‌گیری در ولایت‌های نا امن و کم نفوس، نباید تمدید شود. این مسأله در دور اول مشکل‌آفرین شد و در شماری از ولایات‌ها، تاریکی شب، زمینه دست برد در رأی مردم را فراهم کرد.

۷- کمیسیون شکایات انتخاباتی باید جلو ثبت شکایت‌های خیالی را بگیرد. گفته می‌شود که در دارالانشای کمیسیون شکایات در شماری از ولایت‌ها و نیز در بخش تحلیل و بررسی دفتر مرکزی کمیسیون شکایات انتخاباتی، ده‌ها مورد شکایت، علیه یک نامزد مشخص توسط کارمندان کمیسیون شکایات انتخاباتی به ثبت رسیده و باعث ابطال رأی مردم شده است. این خیانت بزرگ

استاد رفعت تأکید می‌کند: «حامد کززی از طریق مهندسی انتخابات، هردو نامزد پیش‌شاز را رو به روی هم قرار می‌دهد و از طرف دیگر نامزدان را در مقابل کمیسیون‌های انتخاباتی نیز قرار خواهد داد و در نتیجه کشیده‌گی سیاسی میان نامزدان و همین طور میان نامزدان و کمیسیون‌های انتخاباتی به وجود خواهد آمد.»

او گفت: «بالاخره کززی به بهانه این‌که نامزدان و نهادهای انتخاباتی باهم مشکل دارند، برای مدتی همچنان در قدرت باقی خواهد ماند و یا این‌که برای حل مشکلی که خود خلق کرده در تلاش امتیازگیری سیاسی از این و آن نامزد شود.»

وی افزود: «حامد کززی تلاش خواهد کرد تا از طریق مهندسی انتخابات، رأی بازنده و برنده را چنان به هم نزدیک بسازد تا نامزد بازنده نتیجه را نپذیرد و ادعا کند که در انتخابات تقلب صورت گرفته.»

رفعت اضافه کرد، زمانی‌که وضعیت این گونه شود، حامد کززی همانند انتخابات پارلمانی گذشته که شاید خیلی‌ها آن وضعیت را به خاطر داشته باشند؛ این بار و در انتخابات دور دوم ریاست‌جمهوری هم چنین خواهد کرد.

به گفته این عضو پیشین کمیسیون شکایات انتخاباتی، افزایش محل‌های رأی‌دهی در مناطق نا امن یکی از دلایل اصلی مهندسی انتخابات است؛ زیرا کمیسیون انتخابات برای نامزدان در مورد این‌که این مراکز براساس کدام معیار ایجاد گردیده، وضاحت نداده است.

او افزود، پس تشویش نامزدان از ایجاد مراکز رأی‌دهی در مناطق نا امن به‌جا و برحق است، زیرا ایجاد مراکز در مناطق نا امن زمینه را برای مهندسی کردن انتخابات فراهم می‌سازد.

در همین حال، احمد بهزاد عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید، افزایش سایت‌های رأی‌دهی در مناطق ناامن وسیله بسیار مناسبی برای مهندسی کردن انتخابات در داخل کمیسیون انتخابات است. وی تأکید کرد: «براساس لیستی که کمیسیون انتخابات در مورد افزایش سایت‌های رأی‌دهی در اختیار تیم

نباید تکرار شود. تکرار این خیانت، واکنش‌های جدی را در پی خواهد داشت. همچنان، بخش حقوقی و تحلیل و بررسی کمیسیون مرکزی شکایات انتخاباتی، نیاز به اصلاحات جدی دارد؛ زیرا شماری از قوم‌گراترین آدم‌ها آنجا استخدام شده اند و ۹۰ درصد به یک قوم تعلق دارند که به گونه سازمان یافته به نفع نامزد مشخصی در دور اول کار کرده اند.

۸- کمیسیون شکایات انتخاباتی باید جلو برخوردهای دیوانه‌وار با رأی مردم را بگیرد. در دور اول، نزدیک به صدها هزار رأی مردم بدون اسناد و دلایل قانونی در هرات باطل شد و سپس ثابت شد که آن فیصله خلاف قانون بوده است؛ اما ستار سعادت رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی در نشستی که با رییس‌ان ولایتی کمیسیون شکایات داشته است، از عبدالله شیرزی رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی هرات به عنوان یک «الگوی خوب» یاد کرده و به گونه غیر مستقیم توصیه کرده که اعضای کمیسیون شکایات انتخاباتی در ولایت‌ها، باید مثل او عمل کنند.

۹- کمیسیون شکایات انتخاباتی، باید برخورد چندگانه با کمیشنران ولایتی این کمیسیون را کنار بگذارد و دستورهای غیر قانونی به دفاتر ولایتی صادر نکند.

۱۰- کمیسیون شکایات انتخاباتی، با فیصله‌های کمیسیون‌های ولایتی‌اش برخورد چندگانه کرده است و این اشتباه اگر تکرار شود، باعث فروپاشی این کمیسیون خواهد شد. همچنان ادامه فیصله‌های فردی و پنهانی درباره شکایت‌ها دیگر پذیرفتنی نیست.

اصلاحات و همگرایی قرار داده، ما شاهد افزایش سایت‌های انتخاباتی در مناطق نا امن هستیم.»

بهزاد گفت: «کمیسیون انتخابات در حالی صد محل رأی‌دهی را در ولایت پکتیا اضافه کرده که در دور اول انتخابات هیچ نوع شکایتی مبنی بر کمبود برگه‌های رأی‌دهی از این ولایت گزارش نشده است.»

او اضافه کرد: «هیچ رسانه خبری را مبنی بر کمبود برگه‌های رأی‌دهی در ولایت پکتیا، پکتیکا، خوست و چند ولایت دیگر نشر نکردند؛ اما در این ولایات حدود ۷۰ تا ۱۰۰ محل رأی‌دهی ایجاد شده.»

وی گفت: «پس در مناطقی که کمبود برگه وجود نداشته و میزان مشارکت کم بود، براساس کدام معیار محل رأی‌دهی اضافه شده؛ بنابراین این اقدام کمیسیون یک زنگ خطر است برای مهندسی کردن دوباره انتخابات.»

این عضو مجلس افزود: «ولی هرگاه انتخابات در مناطق نا امن تحت نظارت جدی قرار بگیرد، امکان رأی‌سازی در داخل کمیسیون کاهش خواهد یافت؛ اما این اقدام بسته‌گی به کارکرد ارگان‌های امنیتی، برای تأمین امنیت ناظرین در این مناطق دارد.»

وی همچنان گفت: «در این صورت است که دست کسانی که می‌خواهند انتخابات را از این طریق و در داخل کمیسیون انتخابات مهندسی کنند، کوتاه خواهد شد.»

به گفته بهزاد، حضور پررنگ مردم در انتخابات و حساسیت مردم در قابل انتخابات یکی از تضمین‌های بسیار خوب برای سلامت انتخابات است و تا حد زیادی می‌تواند از انجام تقلب جلوگیری کند.

او تصریح کرد: «بحث نظارت توسط ناظرین هر دو نامزد نیز می‌تواند تا اندازه زیادی جلو تقلب مهندسی شده را بگیرد؛ بنابراین تیم اصلاحات باید بحث توظیف ناظران در سایت‌های انتخاباتی به خصوص در مناطق ناامن را جدی بگیرند.»

قرار است در ۲۴ خرداد یعنی تا دو روز دیگر دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری با حضور دکتر عبدالله با ۴۵٪ رأی و دکتر اشرف غنی احمدزی با حدود ۳۱ درصد رأی برگزار شود.

### اسناد دست‌داشتن پاکستان...

و از آن طریق فشارهای لازم را بالای سازمان‌های تروریستی وارد شود تا جلو چنین حوادث دردناک گرفته شود.

در عین حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما) می‌گوید، دولت افغانستان باید به صورت واضح، اسنادی را که دال بر مداخله بیرونی‌ها در حمله به جان داکتر عبدالله است، برای مردم ارایه کند تا مردم به گونه واقعی در جریان قضایا قرار گیرند.

آقای رفیعی هم‌چنان می‌افزاید، چنین روشی می‌تواند اعتماد مردم را بالای عملکرد نظام‌شان بلند ببرد و آنها باید بدانند که حکومت افغانستان دقیقاً کار می‌کند و بر بنیاد اسنادی که وجود دارد مسایل را پیگیری می‌کند.

رییس مجما تأکید می‌کند، افغانستان در وضعیتی قرار دارد که نیروهای بیرونی از کشور خارج می‌شود؛ حکومت افغانستان ادعا دارد که از همکاری بی‌شایبه خارجی‌ها برخوردار است و این نشان می‌دهد که باوجود همه امکانات، نمی‌تواند قضیه را درست پیگیری کند.

آقای رفیعی معتقد است، این مسأله مردم را به نظام و نهادی امنیتی سخت بی‌باور می‌سازد.

هم‌چنان، جنرال امرالله امان عضو ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله می‌گوید، نهادهای امنیتی افغانستان در قبال هر حادثه‌بی‌که صورت می‌گیرد، مسوولیت دارند؛ چون تعهد سپرده اند که امنیت مردم افغانستان را تأمین می‌کنند.

آقای امان می‌گوید، همواره علاج چنین حوادثی پیش از وقوع صورت نمی‌گیرد و این منشأ می‌گیرد از عدم تخصص ادارات کشفی و استخباراتی افغانستان.

این عضو ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله با اشاره به اعلام اعلامیه اخیر حکومت پاکستان که از حکومت افغانستان خواسته تا ناتوانی‌های خود را بر دوش پاکستان نیاندازد، گفت: «این حرف‌های غیر مسوولانه پاکستان است چون در آن طرف مرزهای افغانستان آموزشگاه‌های تروریستان وجود دارد و سیاست دوگانه پاکستان ما را در شک قرار می‌دهد. این کشور به تعهدات خود عمل نمی‌کند.»

آقای امان حکومت افغانستان را متهم به بی‌توجهی و ضعف در جلوگیری از حمله به جان داکتر عبدالله کرده افزود، اداره افغانستان نزد مردم ملامت است و پاکستان نیز در این زمینه مسوول است؛ زیرا این کشور عملاً در مسایل داخلی افغانستان مداخله می‌کند.

جنرال امرالله، امان استخبارات کشورهای بیرونی را نیز در این قضیه دخیل دانسته می‌افزاید: «استخبارات منطقه هم در داخل کشور شدیداً کار می‌کند و اسنادی نیز در پیوند به این مسأله وجود دارد؛ از توت‌های گوشت و سه انگشت دست چپ انتحاری معلوم می‌شود که وی چندی پیش به پاکستان رفته و بعد از بایومتریک صورت گرفته و بعد از مدتی دوباره به داخل کشور آمده و دست به چنین عملی زده است.»

اما، آقای امان تصریح می‌کند که در حکومت آینده افغانستان در نهادهای امنیتی تغییرات عمده‌یی به‌وجود می‌آید و چهره‌های شایسته و متخصص را در این نهادها به کار می‌گمارند تا از بروز چنین حوادثی در آینده جلوگیری صورت گیرد.

### بزرگترین نگرانی‌های مردم...

در این گزارش با شش هزار افغانستانی در سراسر کشور مصاحبه شده است. آقای حکیم تأکید کرد که محتوای این گزارش نظر جامعه مدنی نیست، بلکه نهادهای مدنی تنها نظرات مردم را بازتاب داده اند.

آقای حکیم گفت مردم افغانستان در این گزارش تأکید کرده اند که به فعالیت گروه‌های مسلح باید پایان داده شود: «نارضایتی که مردم از آن یاد کرده، گفته اند که پروسه (خلع سلاح مسلح غیرمسوول) یا دایاگ امیدواری آن‌ها را زیاد کرد اما زمانی که این پروسه متوقف شد، تشویش مردم در این مورد زیاد گردید.»

در گزارش تأکید شده که بیکاری جوانان یکی از عوامل برهم زننده صلح در کشور است زیرا سبب شده تا شماری از نیروی جوان به گروه‌های شورشی بپیوندند و صلح و امنیت را تهدید کنند.

روبینا همدرد، عضو شبکه زنان افغانستان در این کنفرانس گفت: «قسمی که این شش هزار مصاحبه شونده نظر داده اند، هنوز هم جوانان از بیکاری و نبود شغل رنج می‌برند و اگر این جوانان کار پیدا کنند خود سبب صلح پایدار می‌شود.»

در این گزارش یک نقشه راه ده ماده‌یی نیز به منظور تقویت صلح پیشنهاد شده است. گزارش تأکید کرده که فساد گسترده در نهادهای مربوط به پولیس و قضاء از بین برود. ارتقای ظرفیت کارمندان دولت، حمایت از حقوق بشر به خصوص حقوق زنان، توانمندسازی جوانان، توسعه متوازن و حل منازعات پیشنهادهای دیگری است که به باور این نهادها صلح و ثبات را تقویت می‌کنند.

# د ټاکنیزو هلو ځلو وروستی حال



تېره ورځ د ولسمشریزو ټاکنو د نوماندو د پراخو او بېلابېلو غونډو شاهد و. د ولسمشرۍ له دواړو نوماندو د ملاتړ غونډې جوړې شوې وې.

د غور ولایت لال و سرچنگل ولسوالۍ د سه شنبې په ورځ د اصلاحاتو او همپالنې د ټیم د مشر د کاروان کوربه وه. دې ولسوالۍ ته د ډاکټر عبدالله عبدالله په ورتگ سره زرگونه کسان یې هرکلي ته راوتلي او په یوې ستره غونډه کې یې له هغه خپل ملاتړ اعلان کړ. جوړې شوې غونډې ته زرگونه قومي مشران، دیني عالمان، د ملي شورا غړي، ځوانان او ښځې ورغلي وې.

د نورو وینا والو ترڅنگ د ډاکټر عبدالله عبدالله دویم مرستیال استاد محمد محقق وویل، چې دوی د سرکښو خلکو پر وړاندې تل لکه غر ولاړ دي؛ خو د ملت پر وړاندې یې د خدمت سره تپ کړي دي. ښاغلي محقق زیاته کړه، هغه کسان چې تر پرونه یې په بهر کې سوکاله او ارامه ژوند کاوه، اوس حق نه لري، چې د ملت په دستر خوان ناست او هغوی ته دستور ورکړي.

د ولسمشرۍ مخکښ نوماند ډاکټر عبدالله عبدالله د زرگونه کسانو په چک چکو او د اصلاحاتو او همپالنې د ټیم په خوا د شعارونو په ورکولو سره سره خپله وینا پیل کړه. هغه وویل، چې د محرومو خلکو د محرومیتونو د لرې کولو لپاره به مبارزه کوي.

هغه خپل ټیم بریالی باله او ویل یې، چې په لومړي فرصت کې به د گردن دېوال سرک رغوي. نوموړي خلکو ته د هغوی د ستورنو د لرې کولو او د پرمختیایي چارو لکه د برېښنا بند، د سرکونو، پوهنتون، روغتونونو، هوايي ډگر او ښوونکیو ته د ښارګوټو د جوړولو ژمنې هم ورکړې. ښاغلي عبدالله وویل، چې په دې ولایت کې به د سرکونو په

## اسلام تا چه حدی برای...

کار از نظر شرع اسلام که او خود را در آن صاحب نظر می‌شمرد رواست و ایرادی ندارد؟

نکته دیگر این‌که آن‌هایی که پیرامون اشرف غنی گرد آمده اند و قرار است در صورت پیروزی او سهمی از قدرت و ثروت به دست بیاورند غالباً آدم‌های بدنام و نوم پرست و فاشیست‌مآب اند. ضرب‌المثلی عربی است که می‌گوید: «آدم را از هم‌نشینش باید شناخت.» اگر اشرف غنی افکار و اندیشه‌های برتری طلبانه قومی را بر نمی‌تابد و با آن‌ها سر سازش ندارد پس چرا بیشترین آن‌هایی که پیرامون سفره اش نشسته اند اندیشه‌های قبیلوی دارند؟

به نظر می‌رسد که اشرف غنی احمدزی با طالبان، قرابت نکرده و قرار است در صورت پیروزی او سهمی از قدرت و ثروت به دست بیاورند غالباً آدم‌های بدنام و نوم پرست و فاشیست‌مآب اند. ضرب‌المثلی عربی است که می‌گوید: «آدم را از هم‌نشینش باید شناخت.» اگر اشرف غنی افکار و اندیشه‌های برتری طلبانه قومی را بر نمی‌تابد و با آن‌ها سر سازش ندارد پس چرا بیشترین آن‌هایی که پیرامون سفره اش نشسته اند اندیشه‌های قبیلوی دارند؟

به نظر می‌رسد که اشرف غنی احمدزی با طالبان، قرابت نکرده و قرار است در صورت پیروزی او سهمی از قدرت و ثروت به دست بیاورند غالباً آدم‌های بدنام و نوم پرست و فاشیست‌مآب اند. ضرب‌المثلی عربی است که می‌گوید: «آدم را از هم‌نشینش باید شناخت.» اگر اشرف غنی افکار و اندیشه‌های برتری طلبانه قومی را بر نمی‌تابد و با آن‌ها سر سازش ندارد پس چرا بیشترین آن‌هایی که پیرامون سفره اش نشسته اند اندیشه‌های قبیلوی دارند؟

برابر جنایت‌های طالبان، آن عده از مردم افغانستان را که هواخواه طالبان اند به سوی خود جلب کند و رأی آن‌ها را از آن خود کند؟ آیا علایق قومی باعث شده که اشرف غنی نسبت به طالبان نرمش نشان دهد و نسبت به این گروه، مهربانی و عطف زائدالوصفی به خرج دهد؟ چه‌طور ممکن است آدمی که همسری مسیحی دارد (یعنی این‌که با برداشتی متساهل و مداراگر از اسلام سر و کار دارد) به طالبان روی خوش نشان دهد و از رهبر این گروه تروریست (به تعبیر اشرف غنی، ملاصاحب محمد عمر) به احترام یاد کند؟

واقعیت آن‌است که تا جایی که زندگینامه اشرف غنی احمدزی به ما می‌گوید، وی چندان دلبستگی به اسلام و ارزش‌های اسلامی ندارد و نیز شناخت درستی هم از آموزه‌های اسلام ندارد. با این‌همه، می‌خواهد از احساسات دینی مردم سوء استفاده کند و با استفاده از ابزاری و تبلیغاتی از دین، مردم را فریب دهد و آنان را متقاعد کند که به او رأی بدهند. او دین و شعارهای دینی را نردبانی ساخته برای رسیدن به قدرت سیاسی.

سده‌ها پیش، نیکولو ماکیاوولی، فیلسوف سیاسی نامبردار ایتالیایی، به سیاستمداران توصیه کرده بود که: «باید شهریار برای تقویت جایگاه خود از دین و فضایل اخلاقی بهره‌برداری کند. شهریار باید حامی دین باشد حتی اگر خودش اعتقادی به دین و اخلاق نداشته باشد. در واقع برای شهریار، پرهیزگار به نظر آمدن، مهم است تا پرهیزگار واقعی بودن. در صورت لزوم، تحریف دین به دست دولت به منظور بهره‌برداری از آن، کار درستی است و مورد تأیید ماست» (تاریخ تمدن، ویل دورانت).

به نظر می‌آید که اشرف غنی احمدزی به عنوان آدمی که در غرب تحصیل کرده و با افکار اندیشه‌ورزان و نظریه‌پردازان غربی آشنایی دارد این توصیه ماکیاوولی را آویزه گوش خود قرار داده و به آن مو به مو عمل می‌کند و می‌کوشد دین را ابزاری برای رسیدن به مطامع مادی و سیاسی خود قرار دهد. او نه دلبستگی‌ای به دین دارد و نه آشنایی درست و حسابی با آموزه‌های دینی. او این نکته را به خوبی می‌داند که می‌تواند در جامعه سنتی افغانستان که سطح سواد و آگاهی خیلی پایین است از نماد دین کلاه برای خود بافت و با نردبان دین به قله پیروزی رسید. برای او، اسلام تا جایی مهم است که او را به اهداف سیاسی‌اش نزدیک بسازد. در کشور ما استفاده از ابزاری از اسلام به منظور رسیدن به اهداف سیاسی و مقاصد مادی، همیشه سکه‌ای رایج بوده است. اشرف غنی احمدزی نه نخستین کسی است که دست به چنین کاری زده و نه آخرین کس خواهد بود.



## فوتبال افغانستان از جنوب آسیا خارج شد!



کنفدراسیون فوتبال آسیا به ایجاد زون آسیای مرکزی CAFA رای داد.

بر بنیاد خبرنامه فدراسیون فوتبال افغانستان که در صفحه فیسبوک این نهاد منتشر شده است، بر این اساس فدراسیون فوتبال افغانستان بعد از این در زون جدید و با کشورهای آسیای مرکزی همچون ایران، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرغیزستان که لحاظ اقلیمی، فرهنگی و در بعضی کشورها زبانی مشترکاتی دارند به پیکار خواهد پرداخت.

این پیشنهاد که از طرف کشورهای ایران و افغانستان داده شده بود به تاریخ ۹ جون ۲۰۱۴ در کنفرانس فدراسیون فوتبال آسیا که در شهر ساو پائولی برزیل که تمام مقامات اصلی فدراسیون‌های عضو فدراسیون فوتبال مرکز آسیا حضور داشتند با ۴۳ رای از ۴۵ رای ممکن تأیید شد. ظاهراً این تغییر و حضور فوتبال افغانستان در فدراسیون فوتبال مرکز



پله، بازیکن اسطوره برزیل گفته است که تیم انگلستان به اندازه تیم ملی کشور او، برزیل، دارای شانس پیروزی در جام جهانی ۲۰۱۴ است. اما این اسطوره ۷۳ ساله امیدوار است برزیل، میزبان این دوره از مسابقات در فینال مقابل اروگوئه قرار گیرد تا فرصت جبران شکست تحقیر آمیز تیمش در جام جهانی ۱۹۵۰ فراهم آید. ۶۴ سال پیش برزیل شانس برزگی برای پیروزی در جام جهانی داشت اما شکست غیر مترقبه با نتیجه ۲ بر ۱ در مقابل کشور همسایه، همه را انگشت به دهان نگه داشت. پله در این باره گفت: «من ترجیح می‌دهم برزیل و اروگوئه در مسابقه فینال در مقابل هم قرار گیرند تا بتوانیم انتقام بگیریم.»

انگستان و برزیل برای پیروزی در جام جهانی ۲۰۱۴ شانس مساوی دارند

کشورهای این منطقه سرد سیرکه مسابقات در این آب و هوا برای افغانستان مناسب تر خواهد بود. هنوز جزئیاتی در مورد مرکزیت، اصول اداری و اسانسنامه این زون جدید معلوم نیست، اما انتظار می‌رود که تا پایان سال روان میلادی جزئیات این زون تحریر و اعلام گردد.

آسیا از خیلی جهات به نفع فوتبال افغانستان خواهد بود. اول اینکه سطح کیفی فوتبال در کشورهای آسیای مرکزی بالاتر از جنوب آسیاست. دوم هم مرز بودن افغانستان با چهار کشور ایران، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان میتواند زمینه را برای تعاملات و سفر آسان تر به کشورهای عضو فراهم سازد و در آخر آب و هوای مناسب

# Mandegar

## تحلیلگران به حکومت افغانستان:

# اسناد دست داشتن پاکستان در حمله به داکتر عبدالله را ارایه کنید

روبرو سازند و افغانستان را با یک بحران درازمدت مواجه کنند تا منافع ملی خودشان تأمین شود.

این عضو مجلس تأکید می‌کند: «انتظار مردم افغانستان از حکومت این است که در رابطه به دسایس و توطیه‌هایی که صورت می‌گیرد، اقدامات قاطع و جدی انجام دهند و تنها با مطرح کردن یک عنوان کلان و مبهم به نام «دشمنان مردم افغانستان» اجازه سوء استفاده حلقات مخالف پروسه دموکراسی در افغانستان را ندهند.»

آقای سجادی حکومت افغانستان را متهم به ناتوانی کرده می‌گوید، حکومت افغانستان در کشف عوامل و ریشه‌های این حوادث ناتوان بوده است و بررسی نشدن حوادثی که در جریان چند سال گذشته منجر به شهادت شمار زیادی از رهبران مردم افغانستان گردید، این موضوع را روشن می‌سازد.

دکتر سجادی از حکومت افغانستان می‌خواهد که اگر اسنادی در پیوند به دست داشتن استخبارات بیرونی در حادثه روز جمعه گذشته وجود دارد، آن را با جامعه جهانی مطرح کرده...

ادامه صفحه ۶



این تعریف باعث یک نوع سردرگمی در پالیسی‌های حکومت افغانستان گردیده است.

آقای سجادی می‌افزاید: از طرف دیگر، دستگاه‌های استخباراتی کشورهای بی‌گانه و دشمنان پروسه دموکراسی در افغانستان همواره می‌کوشند تا این روند را با اختلال

نبودن پالیسی‌های حکومت در پیوند با جنگ، مذاکره، مصالحه و آزادسازی زندانیان، همیشه با مسایل امنیتی و حوادثی که اتفاق می‌افتد، برخورد مبهم صورت می‌گیرد. به گفته این عضو مجلس، یک بخش بزرگ این ابهام بر می‌گردد به روشن نبودن تعریف دشمن و دوست؛ نبود

### هارون مجیدی

حکومت افغانستان باید در پیوند به عاملان اصلی حملات انتحاری اخیر بر جان داکتر عبدالله عبدالله به مردم افغانستان توضیح بدهد.

شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان و اعضای نهادهای جامعه مدنی با بیان این مطلب می‌گویند، حکومت افغانستان در کشف عوامل و ریشه‌های حوادثی که در جریان سال‌های پسین منجر به شهادت شماری از رهبران مردم افغانستان گردیده، ناتوان بوده است.

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که روز جمعه گذشته دو حمله پی‌هم انتحاری بر جان رهبران تیم اصلاحات و همگرایی، سبب کشته شدن ۱۲ تن و زخمی شدن دست‌کم چهل تن گردید.

در این حملات بر داکتر عبدالله عبدالله و سایر رهبران تیم اصلاحات و همگرایی هیچ آسیبی نرسیده است.

داکتر عبدالقیوم سجادی عضو مجلس نمایندگان می‌گوید، در طول سیزده سال حکومت آقای کرزی، به دلیل روشن

## براساس یک پژوهش تازه:

# بزرگترین نگرانی‌های مردم

# گروه‌های مسلح غیر مسوول، فقر و فساد است

فهمیم حکیم، مشاور ارشد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هنگام ارایه این گزارش گفت: «امروز ما در استراتژی جدید وزارت داخله مطالعه می‌کنیم که آنها می‌خواهند در سال‌های آینده پولیس محلی را دوباره منحل کنند. این خواست نهادهای جامعه مدنی در کنفرانس لندن بود. زیرا این نهادها گفتند که باید در تقویت نیروهای مشروع و رسمی سرمایه گذاری شود.»

پولیس محلی طرح جنرال پتروس فرمانده پیشین نیروهای امریکایی در افغانستان بود که به گفته وزارت داخله توانست جلو فعالیت طالبان در روستاها را بگیرد، اما این نیروها به بی نظمی و آزار و اذیت مردم در ولایات متهم هستند.

رضایت از نظام کنونی براساس تحقیق جدید، مردم افغانستان در مصاحبه‌های شان گفته اند که از نظام کنونی راضی هستند زیرا این نظام را خود مردم با رای شان ایجاد کرده اند.

آقای حکیم گفت: «این گزارش یک موضوع را بسیار با قاطعیت نشان داده است. هیچ کس نگفته که ما این نظام را نمی‌خواهیم. همگی گفته اند که این نظام باید تقویت شود. به خاطری که در انتخابات ما خطرات را قبول کردیم و رای دادیم...»

ادامه صفحه ۶



یک تحقیق جدید نشان می‌دهد که مردم افغانستان برای تقویت صلح پایدار خواستار منحل شدن گروه‌های مسلح غیرمسوول، محو فساد در قضاء و صفوف پولیس، پایان دادن به منازعات قومی و از بین بردن بیکاری هستند.

براساس این گزارش تحقیقی که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر و ده نهاد دیگر جامعه مدنی تهیه شده و روز سه شنبه (۲۰ جوزا/۱۰ جون) ارایه شد، مردم افغانستان از هر دو نامزد ریاست جمهوری خواسته اند تا در صورت پیروزی، ملیشه‌های مسلح را خلع سلاح کنند، علیه فساد مبارزه نمایند و به کشمکش‌های قومی پایان دهند.

## ۳۰ تن از استادان دانشگاه قندهار به چنگ طالبان افتیدند

کابل بودند. صافی گفت: «دلیل اصلی گرفتاری این افراد توسط جنگجویان طالبان معلوم نیست و آنها برای ملاقات با وزیر تحصیلات عالی افغانستان عازم کابل بودند.»

اما دواخان مینه پال، سخنگوی والی قندهار گفت که بیشتر این افراد معلمان دانشکده‌های تربیه بودند که برای رخصتی عازم خانه‌های شان بودند. سال گذشته نیز یک نماینده زن ولایت قندهار در پارلمان، در مسیر شاهراه کابل در مربوطات ولایت غزنی از سوی طالبان برای مدتی به گروگان گرفته شده بود.

برخی ولسوالی‌های غزنی در مسیر شاهراه کابل قندهار به شدت ناامن هستند و طالبان در این مسیر به تکرار دست به گروگان‌گیری می‌زنند. خصوصاً رفت و آمد کارمندان دولتی و آنهایی که با موسسات بین‌المللی کار می‌کنند در این مسیر خطرناک است.



مقامات در ولایت غزنی می‌گویند ده‌ها تن از استادان دانشگاه قندهار که عازم کابل بودند در مسیر راه از سوی طالبان به گروگان گرفته شده‌اند. آنها می‌گویند در این حادثه یک تن نیز زخمی شده که فعلاً در شفاخانه تحت تداوی قرار دارد.

محمد شفیق ننگ صافی، سخنگوی والی غزنی گفت که حدود ۳۰ تا ۴۰ تن از استادان دانشگاه قندهار در یک بس نوع ۳۰۲ عازم کابل بودند که میان ولسوالی‌های اندر و قره باغ این ولایت از سوی طالبان ربوده شدند.

او گفت: «طالبان برای متوقف کردن بس حامل این استادان اقدام به تیراندازی کردند که در نتیجه آن یک تن زخمی شده است. وضعیت صحتی فرد زخمی شده خوب است و در شفاخانه ملکی غزنی تحت تداوی قرار دارد.»

سخنگوی والی غزنی گفت که تا حالا سرنوشت این استادان معلوم نیست و نهادهای امنیتی برای نجات آنها تلاش می‌کنند. او همچنان افزود که حکومت محلی قصد دارد با میانجیگری متفردان محلی این گروگان‌ها را آزاد کند.

سخنگوی والی قندهار نیز تأیید کرده است که ده‌ها تن از استادان دانشگاه قندهار در مسیر شاهراه کابل قندهار از سوی طالبان گرفتار شده اند. برخی منابع در قندهار گفته اند که این استادان با رییس دانشگاه مشکل داشته و قبلاً نیز دست به اعتصاب زده بودند. به گفته این منابع، آنها برای ملاقات با وزیر تحصیلات عالی عازم

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی  
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی  
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی  
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی  
سه ماهه - ۱۰۰ دالر  
شش ماهه - ۲۰۰ دالر  
نه ماهه - ۳۰۰ دالر  
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار  
Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر  
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی  
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی  
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی  
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی  
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی  
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی  
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵